

تالیف

حسین نامق ارغون

ترجمه و حواشی از

عبدالقادیر آهنگری

اویغورها

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

- ۲ -



بعد از مرگ پالی پسرش توکیای لی چی (Tu -kiai- li-chi)
به تخت اویغورها نشسته بود . در زمان این پادشاه ، اویغورهائی که در چین

سکنی داشتند با اتفاق چند قبیله دیگر شورش کرده بودند . اما از طرف چینی ها مغلوب گردیدند .

از طرف دیگر کاپکان خان **Kap gan** پادشاه گوک ترکها بطرف اویغورها حرکت کرد و قسمتی از متصرفات اویغورها را تصرف کرده بود .

درین موقع اویغورها با مشکلات دیگری نیز مواجه بودند زیرا سه قبیله **Tie le** ها که عبارت از قبایل **Hoën** ، **Se Kie** و **Se Kie** و کهی پی **Khi Pii** بودند . بایکدیگر متحد شدند و نقشه ایشان این بود که از صحرا گذشته در ایالت شان سی در دوشهر کان چئو و لینگ چئو مستقر شوند . چینی ها نیز برای انجام این مقصود سواره نظام بزرگی را آماده کمک بآنها کردند . درین موقع توکیای لی چی در گذشت و به جای او پسرش فوتی پو **Fu-Ti-Pu** به تخت نشست .

سال بعد فوتی پو مغلوب گوک ترکها گردیده از چینی ها کمک خواسته بود . پس از قتل کاپکان (۱) خان چند قبیله وارد چین گردیدند . امپراطور چین شهر نظامی تاو و کیون **Ta-Vu-Kiun** را به آنها اختصاص داد که در شمال کشور قرار داشت . درین هنگام فوتی پو میمیرد و به جای او پسرش چین تسونگ **Chin Tesung** به تخت اویغورها جلوس میکند . چون حکمران جدید از نفوذ چینی هادر کشورش دلخوش نبود ، با امپراطور مخالفت میکرد و امپراطور نیز او را غیاباً معزول نمود .

چین تسونگ میمیرد و یکی از نزدیکان وی بنام هوشو **Hu Shu** دارد میدان شده به چینی ها حمله میکند و والی چینی را می کشد و راههای چینی ها را مسدود میکند . لیکن خود را یارای مقابله با قوای چینی ندیده نزد گوک ترکها گریخت . در آنجا وفات یافت و جایش را پسر وی کهولی فولو **Kho-li-fo-lo** گرفت .

در این زمان گوک ترکها وضع آرامی نداشتند . پادشاه اویغور ازین

هرج و مرج استفاده کرده ، با قارلوق‌ها (۱)‌ها و با سمل‌ها متحد گردیده به طرف گوك تركها لشكر كشيد .

پس از مغلوب كردن آنها عنوان قنلوق (۲) بيلگه كول را گرفت . پس از چندی قنلوق بيلگه با باسمل‌ها اختلاف پيدا كرد و پس از جنگ آنها را مغلوب نموده پادشاه باسمل‌ها را كه كيه تهيه‌ئي شي Kie-thie-i-Si نامداشت سربريد (۷۴۴) . بعد از اين واقعه ، مركز گوك تركها را كه به اوتوكن Otuken معروف بود تسخير نمود .

قنلوق بيلگه بعد از اينكه با سمل‌ها و قارلوق‌ها را مطيع نمود، طبق عادت تركان ، آنان را بمحافظت مرزها گماشت ، در سال ۴۲۴۵ بعد از

۱- قارلوق : طبق افسانه‌های تركان ، بخاطر اينكه يكي از ياران پهلوان افسانه‌ای تركان كه اوغوز (غزخان) خان نامداشت . اسب اوغوزخان را كه بطرف كوه‌های پر برف گريخته بود گرفته بحضور وي آورده بود ، اوغوزخان بمناسبت اين فداكاري وي آن شخص را قارلوق ناميد. و بازماندگان قارلوق ، قبيله قارلوق را بوجود آورده اند. در حال اين اسم مشتق از كلمه قار (بمعنی برف) می باشد .

۲- اين اسم باشكال مختلف در منابع تاريخی بچشم ميخورد مانند : قتلخ - قتلخ ، كه اولی بمعنی قحطی و دومی بمعنی مبارك و ميمون باشد . اولی نمیتواند درست باشد زیرا هيچ پادشاهی با اميری راضی نمی‌شود كه لقب قحطی و خشكسالی داشته و پيروان خود را از خود بدبين كند . بنابراین دومی كه بمعنی مبارك و ميمون است صحيح تر بنظر ميرسد . همچنين قتلخ كه در تاريخ ايران نيز اسم او آمده است ، از همين لغت ميباشد و بمعنی مبارك شناخته شده است .

۳- با احتمال قوی اين همان جاده ابريشم است كه از سرزمين آنها عبور می‌كرد .

درگذشت قتلوق بیلکه ، پسرش مویونچور بتخت اویغورها جلوس کرد . این پادشاه با چین روابط دوستانه برقرار کرد . وی آرزو کرد که با يك شاهزاده خانم چینی ازدواج کند . برای این مقصود سفیری به چین فرستاد . سفیران ترك در کاخ امپراطوری با سفیران عرب مواجه شدند . هر کدام میخواستند زودتر از دیگری بحضور امپراطور برسند . در نتیجه چینی ها هر دو هیئت را در همان زمان از دو در جداگانه بحضور امپراطور راهنمایی کردند و باینوسیله این مشکل راحل کرده بودند .

خان ایغور که باكمك قوای چینی ، شورش تونگ لوها را خوابانده بود ، قبل از اینکه سردار چینی را ملاقات کند به او امر کرده بود که در مقابل پرچم ملی ترك (اویغورها) که تصویر سر گرگ را داشت زانو بزند ، بعد از آن با او ملاقات کرد .

مویونچور که در سال ۷۵۹ درگذشت پسرش بوگو بجایش نشست . او بالشکری عظیم برای خواباندن شورش هایی که در چین علیه امپراطور بوقوع پیوسته بود روانه ی چین گردید . در تمام جنگها ترکان فاتح گردیدند . سال بعد اویغورها باتفاق چینی ها بطرف تبتی ها لشکر کشیده آنان رامغلوب کردند . بعلمت اینکه چینی ها ضعیف و اویغورها قوی بودند ، ترکان اویغور باچینی ها متحاکمانه رفتار می کردند . و کوشش می کردند که هدایائی از آنها بگیرند و حتی سفیران اویغور به مردم چین نیز زور می گفتند مثلاً: اسپان لاغر و از کار افتاده را بقیمت گزاف به چینی ها می فروختند ، چون چینی ها ضعیف بودند اجباراً در مقابل خواسته های اویغورها سر تعظیم فرود می آوردند با مشاهده ی این وضع اویغورها در سرحدات آن کشور شروع به غارت و چپاول نمودند . در نتیجه ی این غارتها که خاقان ثروتمند گردیده بود ، عادت قدیم ترك را کنار گذاشت ، قصرهایی بنا نهاد و زندگی پردبده را شروع کرد . کسانی که به ادامه زندگی و مدنیت ملی پایند بودند ، از این وضع راضی نبودند که سردهستی آنها شخصی بود بنام تون باقا از اعمال خاقان انتقاد کرده باتفاق عده ای از اویغورها بوگوخان را بقتل رسانید .

بوگوخان یکی از شخصیت‌های معروف در تاریخ اویغور است، در زمان اویغوری در سال ۷۶۳ دین مانوی در میان اویغورها شیوع یافت، خاقان نیز پیرو این دین شد و یادبودی بخاطر آن بنا کرد. کتیبه‌ی سوم‌ارهون مربوط به اوست. بعدها کتیبه‌ای بخط اویغوری مربوط به این حادثه (ورود بوگوخان به دین مانی) نیز بدست آمده است. ورود بوگوخان به دین مانی، بعد ها حالت افسانه‌ای بخود گرفت، که آن افسانه: اثر علاءالدین عطا ملک جوینی نیز وارد شده است (۱)

توق باقاکه بوگوخان را کشته بود به تخت اویغورها نشست و سفرای چینی از برای تبریک آمده بودند و عنوان آلپ قتلوق بیلگه را از امپراطور برایش آوردند.

تون باقا در سال ۷۸۹ درگذشت و بجای او پسرش تاراس بقخت نشست. این خاقان باچینی‌ها روابط دوستانه برقرار کرد و بر علیه تبئی‌ها به چین یاری کرد. ولی مدت زیادی در مقام پادشاهی باقی نماند، زیرا توسط برادر کهنترش بقتل رسید. اویغورها به این برادر قاتل فرصت نداده او را کشتند و بجای او پسر تاراس را که اچور نام داشت به تخت سلطنت نشاندند. این پادشاه نیز مانند پدر باچینی‌ها روابط دوستانه برقرار کرد و با تبئی‌ها که دشمن چینی‌ها بودند جنگید و اسرای تبئی را به نزد امپراطور فرستاد. اوچور در ۷۹۵ درگذشت. چون پسری نداشت، قتلوق نامی که از سپاهیان بود از طرف مردم به پادشاهی انتخاب گردید. وی از خاندان هیه-تیه بود. قتلوق در سال ۸۰۵ درگذشت و بجایش پسروی با عنوان تنگریه آلپ کولوگ به تخت نشست.

دین مانی که از زمان بوگوخان در میان اویغورها توسعه یافته و صاحبان مشاغل مهم دولتی این دین را قبول کرده بودند، دین رسمی کشور گردیده بود. خاقان جدید هم که پیرو این آئین بود، راهبان مانوی را نیز همراه

(۱) در تاریخ جهانگشای علاءالدین عطا ملک جوینی بوگو بشکل

بوگوخان نوشته شده است.

سفیران به نزد امپراطور فرستاد. امپراطور چین برای آنها يك معبد بنا کرده بود. اما بعلمت فسادی که مانویان در معاابد کردند بعد از مدتی از چین رانده شدند.

پس از مدتی تنگریه آلپ کولوگ در گذشت و بجایش پسر او آی تنگریه کوت بولمش آلپ بیلگه بحکومت رسید.

خاقان جدید اویغور دوبار و هر دو بار اینانچو را بدربار امپراطور فرستاد و در دفعه‌ی دوم تقاضا کرد که با يك شاهزاده خانم چینی ازدواج کند و امپراطور نیز قبول کرد. اما خاقان فوت کرد و آن شاهزاده خانم نصیب جانشین وی تنگریه اولوغ بولمش کوچلوگ بیلگه گردید (۸۲۱). خاقان جدید برای آوردن شاهزاده خانم چینی، اینانچو کول تودون را به همراهی دوهزار نفر روانه چین کرد، بیست هزار اسب و هزار شتر بعنوان هدیه‌ی عروسی به امپراطور تقدیم کرد. چین تا آن زمان سفیرانی به این اندازه زیادی قبول نکرده بود. امپراطور فرمان داد که ۵۰۰ نفر آنها به قصرش بیایند و بقیه در تايوئن فو انتظار بکشند. برای بردن شاهزاده خانم به نزد خاقان، دوآمور عالیرتبه را برگزید. امپراطور شاهزاده خانم را نصیحت کرد که بخاطر اجدادش در معبد قربانی کند. سپس در کاخ خود بخاطر او ضیافت بزرگی برپا کرد.

هنگامی که شاهزاده خانم نزد اویغورها می آمد، خاقان در حالیکه چشمانش بطرف شرق بود، در طبقه دوم کاخ نشسته بود و انتظار می کشید. وقتیکه شاهزاده خانم رسید، بدستور خاقان چادری برای شاهزاده خانم برپا گردید و او به همراه زنان در حالیکه لباس اویغوری پوشیده بود از چادری بیرون آمد و صورتش را بطرف غرب نموده در مقابل خاقان زانو زده و سلام گفت. سپس بعقب رفته لباس ملکه‌ای را پوشید. این لباس دارای دامن سرخ بود و بر روی لباس او یل بزرگی قرار داشت. بر سرش تاجی که سر تیز آن متوجه پشت بود دیده می شد. برای بار دوم از چادری بیرون آمد و دوباره مانند پیش به خاقان سلام گفت. سپس بر روی تخت روانی که بوسیله‌ی وزیر

حمل می‌شد نشست و ۹ دفعه کاخ را دور زد . بعد ازین مراسم به طبقه‌ی دوم کاخ رفت و در کنار خاقان نشست . بزرگان اویغور یکایک آمده هدایایی تقدیم داشتند .

در سال ۸۲۵ خاقان در گذشت و بجایش برادر وی با عنوان آی تنگریده کوت بولموش آلپ بیلگه بتخت سلطنت جلوس نموده ولی چون مملکت را بخوبی اداره نمی‌کرد بوسیله‌ی یکی از اطرافیاناش کشته شد . سپس یکی از برادر زادگان خان که و - توره نامداشت بتخت نشست . ولی در سال ۳۸۳۹ یکی از سرکردگان سپاه عصیان کرده خاقان را بقتل رساند . بعد ازین واقعه کوسان ت ل بتخت اویغورها نشست . درین سال بعزت قحطی بزرگی که در سرزمین اویغور اتفاق افتاد ، عده‌ی زیادی اسب و گوسفند تلف گردید . مملکت در این وضع وخیم بود که یکی از سرداران اویغور که کولی باقا نام داشت با قرقیزهایی که در حوالی دریایچه‌ی بایکال بسر می‌بردند متحد گردید او با صد هزار سوار بسرکن حکومت اویغور حمله برده خاقان را بقتل رساند و قرارگاهش را به آتش کشید . بعد ازین تاریخ اویغورها متفرق گردیدند و هر قبیله به طرفی رفتند . یکی از سرداران خان که سائوچه نام داشت ، به اتفاق ۱۵ قبیله نزد قارلوقها رفت ، ۱۳ قبیله‌ای که طرفدار حقیقی خاقان بودند ، شخصی بنام او کیائی ت ل را به حکومت نشانند . خاقان جدید اویغور مجبور بود بجاهای دور عقب نشینی کند بنا بر این بحوالی شانسی آمده در اینجا با اتباعش مسکن گزید .

سرزمین اویغورها را قرقیزها گرفتند ، دسته‌ای از اویغورها به چین و دسته‌ای دیگر بطرف غرب حرکت کرده بودند .

آن دسته از اویغورها که به غرب رفته بودند با دولتهای اسلامی ترك نژاد مخلوط گردیدند . دسته‌ای هم در حوالی تورفان مسکن گزیدند . در ۲۸۷۰ دولتی مستقل در اینجا تأسیس کردند . این دولت تا سال ۱۲۰۹ میلادی که مغولان به اینجا آمدند حکومت خود را در این منطقه حفظ کرده بودند .

دولت اویغوری حوالی رودخانه‌ی تاریم ، تمدن درخشانی از خود در قاره‌ی آسیا نشان داده بود . این حکومت هیچگونه تماسی با چینی‌ها نداشت . بهمین دلیل است که ما در منابع چینی درباره‌ی آن دولت هیچگونه اطلاعی بدست نمی‌آوریم . اطلاعاتی که از آن دولت توسط سفیر امپراطوری چین بنام وانگکین تو بدست ما رسیده شایان توجه است .

آخرین پادشاه اویغورها بارچوک ایدقوت نام داشت . در سال ۱۲۰۹ م که چنگیز خان مغول به جنوب چین حمله می‌کرد ، بارچوک با سپاهیانش به خدمت چنگیز درآمد و در ارتش مغول خدمت کرد ، و در جنگ با خوارزمشاهیان همدمت مغولان بود . در مقابل رشادتهائی که از خود نشان داد ، چنگیز خان دختر خود را باو داد . بعد ازین واقعه ، اویغورها تاثیر فراوانی بخصوص از لحاظ تمدن بر روی مغولان داشتند .

اخلاق، عادات و تمدن اویغورها

در سال ۹۸۱ م فرستاده‌ای که از جانب امپراطور چین بنام وانگکین تو به ترکستان نزد ارسلان خان (۱) پادشاه اویغور آمده بود ، اطلاعاتی از مشاهدات خود بما می‌دهد . ارسلان خان که خبر آمدن وانگکین تو را شنید یکی از بزرگان را به پیشوازی فرستاد تا روز ملاقات را به اطلاع وی برساند . این شخص در تقویم منجمان ساعت سعید را یافت و پس از هفت روز سفیر را بحضور خاقان برد . خاقان اویغور در حالی که پسران و اطرافیانش کنار وی بودند ، سفیر را بحضور پذیرفت .

یکی از کسان در حالیکه ایجاد طنین می‌کرد ، مراسم انجام می‌گرفت ، در ضربیه اول نطق خاقان بگوش رسید ، در ضربیه دوم پسران ، دختران و خویشان خاقان از اسب فرود آمده سلام کردند . بعد از انجام

۱- ارسلان . این کلمه که در تاریخ ایران نیز زیاد بچشم میخورد بفتح سین خوانده می‌شود . و این بعقیده‌ی اینجانب درست نیست ، زیرا این کلمه اسمی است ترکی و در ترکی نیز به سکون سین تلفظ می‌گردد و معنی شیر را می‌دهد .

این تشریفات ، هدایائی که سفیر آورده بود تحویل گرفته شد . بعد از این تشریفات طولانی که تا پاسی از شب دوام یافته بود ضیافتی داده شد . درحین که مشغول خوردن و نوشیدن بودند موزیک نواخته می شد ، فردای آنروز ارسلان خان با اتفاق افراد خانواده و سفیر ، برای قایقرانی به دریاچه ای رفتند . هنگام گردش در دریاچه ، نوای موسیقی که در ساحل نواخته می شد بگوش میرسید .

وانگه بن تور روز سوم موفق شد که برای گردش در شهر فرصت بیابد ، و او از معبد بودا که در سال ۶۴۷ م بنا گردیده بود بازدید کرد . وی فراوانی ابنیه و باغ را در شهر دیده است . کمی بعد این اطلاعات را درباره ی اویغور بیان می کند :

اویغورها مردمانی هستند عاقل ، راستگو ، درستکار و با ناموس . در ساختن اشیاء زرین و برنزی مهارت بسزائی دارند قیمت يك اسب خوب ، مقداری ابریشم است . قیمت اسب (۱) متوسطی که از برای خوردن مناسب است سه متر پارچه ابریشمی می باشد . در اراضی اویغور . حیویات و گندم بعمل می آید . ثروتمندان اسب می خورند و فقرا نیز با خوردن گوسفند ، غاز و اردک روزگار می گذرانند . در سرتاسر مملکت از تقویم چینی ها استفاده می گردد و قربانی هائی که بخاطر خدای زمین انجام می دهند از روی همین تقویم است . گردش در اطراف شهر را خیلی دوست دارند .

در موقع اینگونه گردشها بردن آلات موسیقی را فراموش نمی کنند . در حدود ۵۰ معبد بودائی در شهر قرار دارد ، این معابد دارای کتیبه هائی است که آنها نشان می دهند هر يك از این معابد در چه تاریخ و توسط چه کسی بنا گردیده است . در میان صحبت های آنان لغات چینی نیز زیاد استعمال می شود ، در معابد عده ی زیادی از بودائی ها زندگی می کنند .

۱- خوردن اسب در میان ترکان مرسوم بود ، مثلا کلاویخو در سفر نامه ی خود می نویسد که بهترین غذایی که در دربار امیر تیمور به مهمانان می داده اند اسب آب پز بوده است .

در کائوچانگ یعنی اویفورهای تورفان که بودائی هستند و در دین خود متمصب می‌باشند، در فصل بهار در حالت دسته دسته بسوی معابد می‌شایند. تیروکمان خود را برداشته با اسب می‌روند. برای بیرون کردن ارواح فنا، بطرف اشیاء بخصوصی تیر اندازی می‌کنند. در شهر کائوچانگ يك مبد مانوی نیز قرار دارد که تمام راهبان آن عجم (ایرانی) هستند. طبق تحقیقاتی گرون ودل آتاریکه از آنها بدست آمده به سه قسمت تقسیم می‌گردد:

۱- دسته اول مربوط به ترکان قدیم است. در این آثار هنر ایرانی، طخساری و چینی مشاهده می‌گردد، که آنها در حوالی تورفان کشف گردیده‌اند.

۳- دسته دوم آتاریست که از اولی جدید تر و از مورتوک به دست آمده‌اند.

۲- دسته سوم آثار هنری است که تحت تأثیر عقیده بودائی یعنی لامائیزم بعدها بوجود آمده‌اند.

آثار چاپی که بر روی کاغذ که بادست نوشته شده نیز بدست آمده. میتوان گفت که اویفورها خیلی پیش از اروپائی‌ها از صنعت چاپ اطلاع داشته‌اند. بعدها برای چاپ کتاب از حروف جداگانه‌ی چوبی استفاده کرده‌اند. این حروف چوبی در نتیجه‌ی کاوش‌های باستانشناسی بدست آمده است. در ساحل غربی رودخانه‌ی تانگهو و دره‌های تون هوانگ در ایالت کانسوچین، غارهایی کشف شده که به اینها تسین فوتونگ یعنی هزار غار بودا گفته می‌شود. این غارها بین قرون ۵ و ۱۱ م توسط بودائی‌ها ایجاد شده است. اخیراً آثار فراوانی از این غارها پیدا شده که در میان آنها اثریست چسپایی به زبان چینی که مربوط به سال ۸۶۷ م می‌باشد، و آن قدیمترین اثر چاپی بشمار می‌آید.

در میان اویفورها نیز مانند سایر ترکان، دین بیش از حد آزاد بود. با اینکه دین رسمی اویفورها شامانیزم (شمنیزم) بود، پیروان مذاهب مانوی

نسطوری و بودایی نیز فراوان بودند. عقاید مانوی‌ها و نسطوری‌ها و بودایی‌ها بزبان اویغوری ترجمه شده‌اند. دانشمندان اویغوری (شمی‌ها) این آثار را به زبانهای سانسکریت، طخاری، چینی و تبتی نیز ترجمه کرده‌اند. آثار مربوط به پزشکی نیز از اویغورها بدست آمده. هم‌چنین اثری هم درباره‌ی هیئت از آنها هست که مربوط به سال ۱۳۰۸ م می‌باشد و در آن از حرکت سیارات بحث میکند. اطلاعاتی که این اثر بما میدهد از طرف رصدخانه‌ی برلین مورد مطالعه قرار گرفته و صحت همه‌ی آنها معلوم گردیده است.

اثر دیگری که مربوط به ۱۲۰۲ م می‌باشد. حرکت سیارات را بدور خورشید ثابت می‌کند. سفرنامه‌ی هیوان تسانگ تحت عنوان از چین تا هند که در نیمه‌ی اول قرن هفتم میلادی نوشته شده به اویغوری ترجمه گردیده بود که یک جلد آن در کتابخانه‌ی ملی پاریس و جلد دیگری در کتابخانه‌ی پکن موجود است.

قسمتی از آثار یافته شده مربوط به تجارت و حقوق می‌باشد؛ اسنادیکه راجع به دادوستد نوشته شده زندگی تجاری آن زمان و کشت پنبه، گنجد و تولید شراب را نزد اویغورها نشان می‌دهد.

اویغورها در ابتدا خط گوگ ترکها را بکار برده‌اند. ولی بعدها الفبای مخصوص بوجود آوردند و مهمترین قسمتهای آثار خود را باین خط نوشته‌اند این خط در دوره‌ی مغولان و منچوها خطر رسمی گردید. این الفبا دارای ۲۰ حرف بوده است.

فقط اویغورها این خط را بکار نبرده‌اند، بلکه این خط جدید در سرزمین‌های دیگر آسیا نیز که اقوام ترک زبان در آن بسر می‌بردند انتشار یافته بود. بعد از اسلام نیز این خط کنار گذاشته نشد، مقدار زیادی از آثار اسلامی نیز باین خط نوشته شده‌اند. عثمانی‌ها هم در ابتدا با این خط آشنایی داشتند. زیرا مثلا ابن عرب‌شاه بشاهزادگان عثمانی خط اویغوری را یاد می‌داده‌است. سلطان محمد فاتح نیز فرمانهایی به این خط دارد. اویغورها الفبای سعدی را نیز بکار برده‌اند. آنها بعد از اینکه الفبای گوگ ترک را گذاشتند از روی

الفبای سندی ، الفبای مخصوص زبان خود را بوجود آوردند . در کتیبه‌های بوگوخان علاوه بر الفبای گوگ ترکها به الفبای سندی نیز بر خورد میکنیم . بعد از اینکه اویغورها دین مانی را قبول کردند ، خط مانوی را هم گرفته آثاری با این خط از خود بجای گذاشته اند .

همچنین این قوم ، الفبای بر همائی هند را نیز در آثار خود بکار برده اند .

علاوه بر شامانیسم (۱) که دین رسمی اویغورها بود ، عده‌ای نیز از ادیان مختلف تبعیت کرده اند ، بدرجه‌ی اهمیتی که این ادیان (مانوی ، بودایی ، نسطوری) در میان اویغورها داشته اند ، لازم است اشاره‌ی مختصری به آنها بشود .

مانی که در زمان سلطنت شاپور اول ، بعلت نفوذ مؤبدان در نزد شاه ساسانی به آسیای مرکزی گریخته بود به میان اویغورها آمد و دین خود را رواج داده بود . بعدها دین او بهمت بوگوخان در میان اویغورها انتشار بیشتری یافت و از آن زمان دین رسمی کشور شده بود . بوگوخان در زمان ورود خود به این دین معبدی در حوالی ارهون میباشد . این معبد که در جوار معابدی که کول تکین و بیلگه خان بنا کرده اند ، قرار دارد و این کتیبه‌ها به سه زبان است :

۱- کتیبه ایست بخط گوگ ترکها که تکه تکه شده و قسمت بسیار کمی از آن خوانا است . بعلت اینکه این خط در بعضی نکات با خط ارهون اختلاف دارد ، اقتباس نکردن اویغورها خط گوگ ترکها را نشان میدهد .

۲- در قارا بالگاسون واقع در مغولستان خارجی که بعدها پایتخت مغولان شد کتیبه ای بخط چینی کشف شده . که قسمت اعظم آن خوانا می باشد .

۳- قسمت سوم کتیبه ایست که احتمالاً ، ابتدا بخط اویغوری و بعد بخط مانویان یعنی سندی نوشته شده است .

۱- دینی که بر پایه‌ی سحر و افسون استوار بود .

تحقیقات از متن چینی شروع شد. با خواندن قسمتهائی از آن معلوم گردید که آن کتیبه از قبول دینی بحث میکند مربوط به مانویان است. در میان آثار اویغوری که در نتیجه کاوشهای باستانشناسی تورفان کدر ناحیهی مورتوک بدست آمده، مقداری از صفحات کتابهائی می باشد. کناره های آن پوسیده و بعضی از خطوط آن پاک گردیده اند. اما خواندن و دقت در آن حائز اهمیت است.

زیرا این چند صفحه، واقعهی زمان بوگو خان معروف را نشان میدهد.

ابتدا و آخر صفحات آن از بین رفته. موضوع آن عبارت از قبول دین مانوی توسط اویغوریها است؛ ولی معلوم نیست که آیا در آن عصر نوشته شده یا بعد؟

بوگو خان، از نظر این متن یافته شده در تورفان، بعد از اینکه دین مانوی را قبول کرد، تحت تأثیر نصایح مشاورش که یکدفر ترخان بود، از این دین صرف نظر کرد و حتی علیه این دین رفتار نمود. علت این امر در این متن قید نشده است.

ترخان به این دینی که با دین ملی ترکان رقابت کرده و باعث ضعف حس جنگجویی ترکان گردیده بود، از پادشاه خود که از مانویت برگشته، حمایت کرد.

اما این حمایت سودی نداشت، راهبانی که از چین آمده بودند غالب شدند. بوگو خان باردیگر از راهبان مانوی اجازه خواست که وارد دین آنان گردد. بهمین جهت راهبان او را با عنوان دیندار قبول کردند.

بعد از این واقعه، هزاران نفر جمع شده بخاطر اینکه خان دوباره دین مانوی را پذیرفته جشن بزرگی برپا کردند و تا صبح این جشن ادامه داشت، و قتیکه صبح شد، پرهیز کوچک انجام گرفت، بوگو خان باتفاق دینداران، شاهزادگان، شاهزاده خانمها، بزرگان و اشخاص متنفذ شهر

تا دروازه‌ی شهر با اسب آمدند و بوگو خان که تاج طلائی بر سر و لباس
ابریشمین سرخ بر تن داشت بر تخت زرین جلوس فرمود . سپس ورود خود
را دیگر باره به دین مانی اعلان نمود و فرمان داد که همه از او امر راهبان
اطاعت کنند .

آثار بودائی اویغور، در نتیجه‌ی کشف ویرانه‌های معابد چائو، یار هوتو،
مورتوک و تویوک بدست آمده اند . علاوه بر آثار هنری (مربوط به بودیزم)
آثار دینی هم از آنها بدست آمده است . راهبان بودائی ، آثار مذهبی را از
زبانهای سانسکریتی ، طخاری ، چینی و تبتی به اویغوری ترجمه کرده
ادبیاتی بنام ادبیات بودائی را بوجود آورده اند .

مذهب نسطوری نیز در میان اویغورها رواج یافت . قدمت این مذهب
را در میان اویغورها می توانیم به قرن ۱۳ و ۱۴ م برسانیم . درین دو قرن
چینی‌ها ، مغولان و ایرانیها ، نسطوریها را ارکگون می نامیدند ، در
آسیای مرکزی آنها را بجای ارکگون، ترسا می نامیدند . نام ترسا مانند
ارکگون زودازبین نرفت . سیاحانی که در قرون ۱۳ و ۱۴ به آسیای مرکزی
آمده اند این نام را بشکل ترسیا Tarsia در آثار خود قید کرده اند .
دانشمندان در صدد این بر آهند که محل کشور ترسایان را بیابند .

آنان در منابع زمان مغول به صراحت دیده بودند که نام اویغور و ترسیا را با
هم می آورند بدینجهت به این نتیجه رسیدند که کشور ترسایان همان سرزمین
های اویغور می باشد . اگر این فرضیه ها درست باشد ترسیا Tarsia همان
سرزمین اویغورهاست .

عبدالقادیر آهنگری - دانشجوی سال چهارم رشته تاریخ دانشسرای عالی

بهمن ماه ۱۳۵۰